

یون فوسه

دختر با بارانی زرد

و نه نمایشنامه دیگر

محمد حامد

www.ketab.ir



انتشارات شباهنگ

- سرشناسه: فوسه، یون، ۱۹۵۹ - م. Fosse, John ■ عنوان و نام پدیدآور: دختر با بارانی زرد و نه نمایشنامه دیگر / یون فوسه؛ ترجمه محمد حامد. ■ مشخصات نشر: تهران، شباهنگ، ۱۴۰۰. ■ مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م. ■ شابک: ۱ - ۲۶۷ - ۱۳۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ■ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ■ یادداشت: کتاب حاضر ترجمه Jente i gul regnjakke و نه نمایشنامه دیگر از یون فوسه است. ■ موضوع: نمایشنامه نروژی - قرن ۲۰ م. ■ موضوع: Norwegian Drama - 20th Century ■ شناسه افزوده: حامد، محمد، - ۱۳۳۴، مترجم. ■ رده‌بندی کنگره: ۲۶ / ۹۵۱ PT ■ رده‌بندی دیویی: ۳۲۷۴ / ۸۴۹ ■ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۴۲۴۰

This is a Persian Translation of
Jon Fosse
Jente i gul regnjakke
Translated from Norway to Persian By
M. Hamed

یون فوسه

دختر با بارانی زرد

و نه نمایشنامه دیگر

محمد حامد

حروف نگاری مینا قربانی ، صفحه آرای شهرام فرجی

چاپ نازو ، صفحات کلید

چاپ یکم ۱۴۰۰ ، شمارگان ۱۵۰ جلد

شابک ۱-۲۶۷-۱۳۰-۶۰۰-۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 130 - 267 - 1

عکس روی جلد از آنتون بکشلیم Anton Bäcksholm

عکس پشت جلد از تام آ. کولستاد Tom A. Kolstad

هرگونه نقل و استفاده و اجرا از این نمایشنامه‌ها

بسته به اجازه‌ی کتبی ناشر و مترجم است.

ترجمه‌ی این آثار با حمایت بنیاد فرهنگی نورلا NORLA

انجام شده است.

حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.



انتشارات شبانگ

مرکز پخش خیابان انقلاب ، خیابان شهدای ژاندارمری ، پلاک ۶۰ ، تلفن ۶۶۹۶۴۲۳۵-۶

فروشگاه ۱ خیابان انقلاب ، روبه‌روی دانشگاه تهران ، پلاک ۱۱۹۴ ، تلفن ۶۶۴۹۱۰۹۸

فروشگاه ۲ خیابان انقلاب ، خیابان فروردین ، ساختمان ناشران ، پلاک ۲۷۳ ، تلفن ۶۶۹۵۳۶۰۹-۱۰

فهرست

چند کلمه

۷

دختر با بارانی زرد

یک تصویر

۱۱

زنبوکو

۶۱

دریا

۱۰۷

مادر و پسر

۱۵۵

همچنان که نور با من می‌رود

و همه جا سیاه می‌شود!

۲۰۱

بی لایالی

۲۱۹

سوستا

مونولوگ برای سه بازیگر

۲۷۷

مالیخولیا

۳۲۷

دیر است، خیلی دیر!

۳۶۵

خوابی کوچولوی من؟

۳۹۹

چند کلمه

در نیمه‌ی آغازین دهه‌ی نود میلادی، یک گروه تئاتر سوئدی، نوشتن نمایشنامه‌ای را، همراه با پیش‌پرداختِ ناچیزی به یون فوسه، شاعر و نویسنده‌ی نروژی سفارش داد. یون فوسه تا آن زمان نه تنها هیچ نمایشی نوشته بود، بلکه حتی هیچ دل‌خوشی هم از تئاتر، به‌خصوص تئاتر نروژ نداشته بود. او در آن زمان فقط دو سه رمان، یکی دو مجموعه شعر و داستان کوتاه، و یکی دو کتاب برای کودکان منتشر شده بود. رمان‌های کم‌حجم «النگرگاه» و «گیتار بسته» به‌خاطر قُرم تکرار شونده و نثر بدیع و منحصر به فردشان، نام یون فوسه را اینجا و آنجا و در میان اندک‌شماری از روشنفکران و نویسندگان شمال اروپا سر زبان‌ها انداخته بود.

دو هفته بعد، نمایشنامه‌ای کم‌حجم و نحیف، با پُست به دست گروه تئاتر سوئدی رسید. در آن حجم اندک کلمه‌ها و جمله‌ها، که به‌صورت شعر، زیرهم زیرهم نوشته شده بود، چه سر و جادویی نهان بود که فیتله‌ی انفجار را در ذهن آن جمع کوچک تئاتری کبریت زد؟ گروه تئاتر نمایشنامه را روخوانی کرد و درجا تصمیم به اجرایش گرفت. چیزی در این نمایشنامه بود که تا آن روز در تئاتر مرسوم نبود و آنچه بود به‌نظر نو و تازه می‌آمد. کلیشه‌های متداول گذشته را کنار گذاشته بود و در حالی که از شخصی‌ترین حالات و احساسات آدمی سخن می‌گفت، پرسش‌های بزرگ و بنیادین را در مقابل مخاطب قرار می‌داد. این نمایشنامه اولین اثری است که یون در ۱۹۹۶ میلادی برای

صحنه نوشت و به دنبال آن تا همین اکنون، ۲۰۲۱ میلادی، بیش از سی اثر نمایشی از او منتشر شده و این آثار دست‌کم به چهل زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده است و در صدها شهر جهان بر صحنه رفته است و هنوز و روزبه‌روز، کارگردانان و بازیگران مطرح و خوشنام، برای به صحنه بردن این آثار بخت خویش را در بوته‌ی آزمون می‌گذارند. نمایشنامه‌های یون شباهت چندانی با آنچه بر صحنه‌های مرسوم تئاترها به‌نمایش در می‌آمد نداشت، چیزی نو و تازه در جریان بود که کارگردان و بازیگران دغدغه‌مند را به‌دام جادوی خود گیر می‌انداخت و آنها را به کار روی این متن‌ها و نقش‌ها وامی‌داشت. دل‌بستگی بی‌نظیر دست‌اندرکاران تئاتر به متن‌های کم‌حرف و ساکت و بی‌چیز یون فوسه، و همین‌طور کنجکاوی و استقبال پرشور تماشاچیان از اجراها، که یکی به دنبال دیگری بر صحنه‌های شهرهای جهان می‌درخشید، حیرت همگان، حتی خود یون را نیز برانگیخته بود. بخت با یون فوسه دیگر یار شده است. نام یون اکنون در کنار کلاسیک‌هایی همچون شکسپیر و چخوف و ایبسن و استریندبرگ و بکت و پیتربل... قرار گرفته است. حالا دیالوگ‌های کوتاه و مینیمال و هر دم نحیف‌شونده‌ی یون، جایگاه رفیع گفت‌وگوهای پر طمطراق و دورودراز تئاتر پیش از او را پُر کرده است.

مکث‌ها، مکث‌های کوتاه، مکث‌های بلند و مکث‌های خیلی بلند، نمایشنامه‌های یون فوسه را به سمفونی‌های بی‌صدای سکوت، و تا مرز نیستی و برهوت پیش برده است و کارگردان و هنرپیشه را به چالش وامی‌دارد تا با این نیستی درآمیزد و نوع دیگری از بازیگری را بر صحنه بیافریند که پیش از آن مرسوم نبوده است. در این متن‌ها چیزی غنوده بود که اهالی تئاتر را به شور و حال و تلاش و دست‌وپنجه نرم کردن با خود و نقش خود وادار می‌کرد.

یون فوسه در سال ۱۹۵۹ در غرب نروژ به دنیا آمد، دوران کودکی را در ساحل دریا قد کشید و بالید و در برگن به مدرسه و دانشگاه رفت و جامعه‌شناسی و فلسفه خواند. روح طبیعت برگن، با پاییزها و

زمستان‌هایش، با تابستان‌ها و باران‌های یکریزش، با آن دریا و موج‌هایش، و آن آسمان سراسر ابرش، و آن کوه‌ها و آبدرده‌هایش، و خلیج‌ها و دریاچه‌هایش، و آن بادها و بادبان‌هایش در آثار یون جوری به خورد اثر رخنه کرده است که آنها را به مرز شعر محض نزدیک کرده است.

منتقدان صاحب‌نام و محققان بسیاری درباره‌ی یون و آثارش کتاب‌ها و رساله‌های زیادی نوشته‌اند، آنچنان که حجم آنها از آثار خود یون افزون‌تر است. آثار یون فوسه جوایز بسیاری را نصیب او کرده است، از جمله جایزه بزرگ ایسن که دو بار به او تعلق گرفت و هرساله نام یون فوسه را در صدر نام‌هایی که برای جایزه‌ی نوبل کاندید می‌شوند می‌توان پیدا کرد.

کتاب «دختر با بارانی زرد و نه نمایشنامه‌ی دیگر» در برگرفته‌ی ده نمایشنامه است که نویسنده در طول سی‌سال نمایشنامه‌نویسی خود، یعنی از نیمه‌ی آغازین دهه‌ی نود میلادی تا به اکنون نوشته است، کنار هم قرار گرفتن این آثار به ما تصویری از روند رشد و تحول کار نمایشنامه‌نویسی او نیز می‌دهد، این آثار که در این کتاب گرد آمده‌اند، تاکنون در ایران ترجمه و منتشر نشده و برای اولین بار است که به دست‌اندرکاران تئاتر و علاقه‌مندان نمایش و ادبیات نمایشی تقدیم می‌شود.